

حُبِّ الْحُسَيْنِ وَسِيَّةُ السُّعْدَاءِ

الْكَوَى بَرْتَرَبْرَاي نَسْل جَدِيد،
بَا تَوْجَه به
سِيرَةُ اِمَام حُسَيْن (عَلَيْهِ السَّلَام)

آفرین قائمی

تهیه و تنظیم:

جامعة الزهراء سلام الله عليها



بسمه تعالی

مقدمه

طرح درست و گسترش فرهنگ پربار تشیع و به خصوص سیره امام حسین (علیه السلام) در جامعه، باعث رشد و بالندگی هرچه بیش تر جامعه و حفظ آن از فروغلتیدن در فسادها و تباهی ها است. اکنون هجمه های دشمنان علیه اسلام و انقلاب اسلامی ایران، رنگ و بویی جدید به خود گرفته است. امنیت نظامی کشور نباید سبب تغافل از این هجمه ها گردد و این پندار غلط حاکم شود که دیگر دوران انقلاب و مبارزه با دشمنان اسلام به پایان رسیده است، که هر کس که خوابید یا خود را به خواب زد، دشمن او نخواهد خوابید و بر او شبیخون خواهد زد.

کوتاهی و کم کاری در تبلیغ و دفاع از دین و ترویج روش و منش حسینی (علیه السلام) در همه عرصه ها،

به خصوص فضای سایبر، مسلماً سبب بروز خرافات و انحرافات نهفته در زیر خاکستر با پوشش و لفافه‌ای جدید از سویی و از سوی دیگر میداندار شدن گروهی در این عرصه است که آن اهتمام و فداکاری و تعهد لازم به دیانت و انقلاب را ندارند!! پس بجا است که انقلابیون متعهد به عنوان متولیان انقلاب اسلامی با تمام قوا و امکانات محدود خود، گام‌های جدی‌تری در این راه بردارند و تلاش کنند نسل نو با الگوهای برین انسانیت آشنا و مأنوس بشوند.

تقویت مراکز پژوهشی و تخصصی و وقت نهادن برای تحقیق و پژوهش و نگارش و سپس ارائه به روز و متناسب یافته‌ها در قوالب مختلف علمی، هنری، رسانه‌ای و مانند اینها، در داخل و در عرصه بین‌الملل به زبان‌های مختلف رائج دنیا، از اولین قدم‌ها است؛ زیرا اگر حقائق ناب تشیع، از جمله

سیرهٔ حسینی (علیه السلام)، تبیین و تقویت و تاکید نشود، خفاشان شب پرست فرصت را غنیمت شمرده و افکار و اذهان مخاطبان و کاربران را تحت تصرف خود خواهند گرفت!! شمع فروزنده چو پنهان شود شب پره بازیگر میدان شود!! این مختصر بر آن است تا اهمیت و ضرورت معرفی الگوی برتر برای نسل جدید، با توجه به سیرهٔ امام حسین (علیه السلام) را بررسی و به نسل نو و دست اندرکاران تلاش فرهنگی برای ایشان عرضه نماید.

بار اصلی بر دوش جوانان

اگرچه جوانی با کم تجربگی عجین گشته، اما جوان نسبت به کودکان و نوجوانان دارای بلوغ فکری و رشد جسمانی مناسب و نسبت به بزرگسالان، دارای نشاط و شور و تحرک بیش تر و به فطریات نزدیک تر می باشد. این اوج تازگی و طراوت روحی در جوان، زمینهٔ اتصال روحی - روانی به خداوند و

معنویت را بیش‌تر می‌نماید، فقط نیازمند توجه و عنایت و پرورش است. پس به سفارش امام صادق (علیه السلام): «علیک بالأحداث، فإنهم أسرع إلى کلّ خیر؛ بر تو باد توجه به جوانان، زیرا ایشان به سوی هر خیری شتاب بیش‌تری دارند.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۹۳)

به همین جهات باشد که شروع بلوغ شرعی که تکالیف شرعی متوجه انسان می‌گردد، نیز همین سنین اولیه جوانی است. فعالیت‌های مختلف دینی و اجتماعی و تحصیلی و مانند اینها برای جوان و نوجوان شورآفرین و معرفت‌افزا و خالق هویت و احساس شخصیت و عزت برای آنها است. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های جوانی آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای آینده است، به خصوص که در آینده، پیران از دنیا رفته و زمامدار همه چیز ملت و امت، همین جوان‌ها می‌شوند. اگر جوان

آینده را تیره و تاریک بینند، مأیوس و ناامید می‌گردد و اگر از گذشته بی‌خبر باشد، نمی‌تواند طراح و برنامه‌ریز خوبی برای آینده خویش و مملکت و امت اسلامی باشد.

اگر انقلابیون با سابقه و با تجربه، به جوانان مسلمان خط ندهند و راه را با ارائه الگوهای مطلوب روشن ننمایند، راه برای خناسان و دشمنان باز می‌ماند تا در این راستا اقدام نموده و رهاورد ۴۵ ساله و جانبازی و فداکاری میلیون‌ها انسان در این راستا را بی‌اثر نمایند و مسیر انقلاب را به انحراف بکشانند. این عنایت و توجه به جوانان و این رهنمودها و امیدبخشی‌ها است که جوان امروز را برای دست‌یابی به دولت کریمه عدل جهانی استوار و با نشاط نگه داشته و انقلاب اسلامی را به انقلاب موعود پیوند خواهد داد.

جوانی، خاستگاه ایجاد تحول و تنوع

آرزومندی و تمنای وضع مطلوب و جرأت جوان و عمل برای تحقق وضع مطلوب، بدین جهت باشد که از قدرت روحی و حتی از قدرت بدنی کافی هم برخوردار است. قدرت بدنی هم اکثراً وابسته به شدت انگیزه است، که هم قدرت بدنی و هم انگیزه قوی در جوان به سهولت یافت می شود. روح پاک و ضمیر روشن جوان اموری را «تصدیق» می کند که دیگران نمی توانند باور کنند. اگر این ضمیر پاک در معرض پیام های صادقانه حق قرار بگیرد، سرعت به سوی خوبی ها و جزم در عقاید نورانی اسلام را به دنبال خواهد داشت و اگر این پاک طینتی مورد سوء استفاده منحرفین قرار بگیرد، نتیجه اش معکوس است.

باید به سان اوائل انقلاب و دوران جنگ، مجاهدانه وارد میدان کارزار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی - آموزشی شد. تغییر دادن اوضاع

عالم، شنا بر خلاف جریان آب است. مجاهد باید دارای توان روحی و سعه صدر و از خود گذشتگی باشد تا بتواند از سرزنش‌ها نترسد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هریک از شما از دینش برگردد، پس به زودی خداوند گروهی را خواهد آورد که خداوند ایشان و ایشان خداوند را دوست بدارند. ایشان بر دشمنان سخت‌گیر و در نزد مؤمنان متواضع خواهند بود. در راه خداوند مجاهده نموده و از سرزنش ملامت‌گران هراسی ندارند. این فضیلتی است که خداوند به هر کس بخواهد بدهد و خداوند وسعت بخش دانا است.» (مائده ۵/۵۴)

این جهاد فی سبیل الله می‌تواند در شرائط و

موقعیت‌های مختلف، دارای نمودهای بسیار متنوع قلمی، بیانی، پیامکی، فایل، آبرو، جان یا اسلحه گرم و مانند اینها باشد. جهاد با توجه به معنای لغوی آن هرگونه تلاشی برای تحقق مدینه فاضله موعود شیعی را شامل می‌شود، حتی اگر نخ کردن سوزنی برای خیاط برای دوزندگی لباس رزمنده‌ای باشد یا حدیثی که در کانال‌ها و گروه‌های مجازی رد و بدل شود!! امروزه دشمن میدان مبارزه را با استفاده از اینترنت و فضای سایبر به درون خانواده‌ها کشانیده و حتی زن و بچه و نوجوان را هم وارد معرکه نموده؛ پس جهاد فرهنگی بسی مهم‌تر و عظیم‌تر و وسیع‌تر از جهاد و قتال در جبهه جنگ گرم و سخت، شده است و نبرد هیبریدی (ترکیبی) می‌باشد.

نگاه مایوسانه به امکانات و ناامیدی از موفقیت، سبب رکود است؛ چیزی که امثال دکتر علی

شریعتی بر آنها تکیه می‌کنند: «ما در دنیا نه دارای قدرتیم و نه صاحب جایی و پایگاهی و سرمایه‌ای. نه کسی به ما کمک می‌کند و نه یار و همدردی داریم. حتی کسانی هم که هم‌دین و هم‌مذهب ما هستند، نه تنها دست‌مان را نمی‌گیرند و از همدردی لفظی هم دریغ می‌ورزند، بلکه حتی جلوتر از آن رقیب و آن خصم، پوست خربزه زیر پای‌مان می‌گذارند و سیل تهمت و نفرت و کینه-توزی و آشوب ذهنی و سیاه‌انگاری و سم‌پاشی و امثال این‌ها را به سوی این نسل و این گروه و این امت کوچک روانه می‌کنند. ...

در مدرسه هم چیزهایی که وجود دارد، اصولاً ضد اعتقاد من است و ضد انسانیت‌ها و ایمانی است که من به آن‌ها معتقدم و ضد آرزویی که برای انسان شدن و انسانیت دارم و این‌ها است پیزه‌هایی که به آن‌ها [جوان امروز] تلقین می‌شود. ... تمام

دستگاه‌های فکری و تبلیغاتی‌ای که به هر حال روح انسان را می‌سازند در اختیار دیگران و دیگران و دیگران است. ... خوراک‌هایی که به خورشان داده می‌شوند، خوراک‌های ساخت کارخانه دیگری هستند. ... با این خوراک‌ها بچه ما جور دیگری با ما بیگانه می‌شود و رابطه‌اش با ما قطع می‌گردد.» (شریعتی، ۱۳۹۱، صص ۱۴-۱۳)

از منظر مقام معظم رهبری^(دام‌عزه) این تز سبب رکود و کاهش انقلابات در جهان است، برخلاف انقلاب اسلامی ایران که در برابر طوفان طعنه‌ها دوام آورده است: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که بپاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و بجز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که

بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.» (حسینی خامنه‌ای، بیانیه ...، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ضرورت تقویت بعد اعتقادی

اعتقاد بنیان اصلی تشکّل رفتار و به تبع آن شخصیت و هویت هر انسان است، زیرا آن‌چه که از انسان در میدان حالات و صفات و افعال بروز و نمود می‌یابد، بی‌تردید به بینش و نحوه نگرش او برمی‌گردد. بدین ترتیب اگر شالوده محکم و بنا دارای زیرساخت قوی و صحیح و کافی باشد، زلزله‌های عظیم شبهات و تهمت‌ها و زخم‌زبان‌ها

نتواند او را به انزوا براند یا از راه منحرف نماید.
اعتقاد قوی و صحیح مثمر تقویت عزم و اراده و
امید گشته، مسلمان متعهد را بر ادامه مسیر و طی
صراط مستقیم با صبر و حلم و استقامت، مستدام
و پرنشاط نگه می‌دارد. آن چه اعتقاد را محکم
می‌نماید، کسب معرفت و بصیرت با تبلیغ و ترویج
آن در میان افراد می‌باشد.

در دوران معاصر انواع عرفان‌های کاذب از یک سو
و انعکاس غلط از اسلام در قوالب طالبان و داعش
و وهابیت از سویی، تبلیغ نظم نوین جهانی در
قالب صهیونیسم از طرف دیگر، به اضافه برخی
ادیان مثل بودا و کنفوسیوس و یهود و نصاری از
قدیم، همه به نوعی به میدان آمده‌اند تا جلوسیل
عظیم اسلام‌گرایی را سد نمایند، به عبارت دیگر:
می‌خواهند مانع گسترش تشیع‌گرایی شده و لاًاقل
سرایت انقلاب عدالت‌خواهانه و صلح‌جویانه ایران

به سرزمین خودشان را بگیرند.

از این سو عقل‌های آزاد و فطرت‌های سلیم، طالب
آشنایی هرچه بیش‌تر با اسلام ناب (تشیع) و مرام و
سیرهٔ امام حسین (علیه السلام) در نهضت عاشورا و
امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام عزه) در اداره
انقلاب و حکومت ایران هستند؛ زیرا بشر امروز از
امپراطوری، شاهنشاهی، کاپیتالیسم، دموکراسی
لیبرالی و کمونیسم زخم‌ها خورده و خسته شده و از
کارآمدی اینها برای اقامه عدل و صلح جهانی
نومید شده‌اند. بر انقلابیون غیور است که با اقدامی
انقلابی و خیزشی جهادی، این دست‌های نیاز را به
گرمی و با دست پر بار فشرده و اسلام ناب را به طرق
مختلف، از جمله ارائه الگوهای برین انسانیت و
مدیریت و ولایت به گوش جهانیان برسانند.

باید کلان‌نگر شد. اهتمام به اداره یک مدرس یا
مدرسه یا حوزه شهر و استان و کشور، خیلی

سطحی‌نگری و بسی در عرصهٔ جهانی ناکارآمد است. پس باید همه توان و نیروها و همین امکانات محدود را بسیج جهادی کرد تا بتواند از عهده مسئولیت خود برآید. برخورد منفعلانه‌ای که تاکنون متداول بود روز به روز انقلابیون را بیش‌تر به انزوا کشانیده و بسیاری از نیروهای جوان و فعال را به دامن خناسان افکنده است. همین موضع منفعلانه سبب شده تا امروزه سلبریتی‌ها برای تأثیرگذاری بر جوانان جای ملاها!! را بگیرند. برای تحول در وضع حاضر و تغییرات حاصله، امروز دیگر صرف ملا شدن و اینکه بنشینید تا دیگران به سراغ شما بیایند کافی نیست. باید به‌سان نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) طبیب دَوّار بطبّه، شد تا بتوان نتیجه متوقع را تحقق بخشید.

باید آینده‌نگر شد و جلوتر از دشمن درسش را خواند و جلو جلو پادزهرش را آماده، بلکه واکسنش

را به نقاط هدف دشمن تزریق نمود. بدون آینده-نگری، برنامه‌ریزی برای حال و آینده غیرکارآمد و غیرکاربردی و لغو باشد. الگوگیری از سیره معصومین (علیهم السلام)، به خصوص امام حسین (علیه السلام) و نیز بررسی گذشته این انقلاب در این چهل سال اخیر در همین راستا است تا با درس و عبرت از گذشته، برای برنامه‌ریزی آینده، دقت لازم را مبذول نمایند. مطالعه تاریخ سبب آسیب‌شناسی دقیق از ضربه‌هایی است که حرکت انقلاب را کند یا در برخی مقاطع به انحراف کشانیده است و سبب ازدست‌رفتن فرصت‌های گران‌قدری شده‌اند.

تقویت توانمندی‌های اجتماعی

انسان را به هر لحاظ که موجودی اجتماعی بدانند (طبیعت غریزی، حس استخدام، میل فطری به اتخاذ انیس و همدم یا هر چیز دیگری) امروزه

اجتماعی زیستن جزء لاینفک زیست آدمیان می-
باشد. اسلام نیز دینی جامع و فراگیر است که بر
همه عرصه‌های زندگی بشر، اعم از فردی و
خانوادگی و جمعی و بین‌المللی، در همه سطوح
سایه افکنده؛ هیچ بُعدی را فارغ و رها ننموده است.
مسئولین دینی و فرهنگی انقلابی نیز به لحاظ
سکандاری این سفینه النجاة بشریت، باید در همه
عرصه‌ها حضور فعال داشته باشند. به خصوص در
ایران پس از انقلاب اسلامی که در عین
محدودیت‌ها و کاستی‌ها و کارشکنی‌های موجود،
میدان برای فعالیت در همه عرصه‌ها بسی بازتر و
گسترده‌تر شده و نیازمند همت و تلاش و اخلاص
بایسته است.

انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز انقلاب جهانی
حضرت موعود است؛ یعنی انقلابی که تمامی
جهان را تحت لوای اسلام ناب شیعی در خواهد

آورد. مسلماً استکبار جهانی و هر کس که به نحوی این انقلاب عظیم را با منافع و زیاده خواهی های خود در تعارض ببیند، ساکت نخواهد ماند. بر انقلابیون مجاهد است که این هجمه های دشمنان در عرصه اجتماع، در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، عمران، علوم انسانی، مراکز علمی و مانند اینها را شناسایی و با حضور فعال خود در همه این عرصه ها، عرصه را بر نفوذ دشمن تنگ و بلکه راه را بر فعالیت وی مسدود نمایند. سیره معصومین (علیهم السلام)، از جمله امام حسین (علیه السلام) در همه این عرصه ها الگویی برجسته محسوب می شوند؛ اگرچه با ظرافت و دقت، نیازمند تطبیق با زمانه و اقتضائات روز می باشند.

در عوض مسلمین را برای رویایی بالوازم و برکات این مقاومت، تقویت و هوشیار نمایند. «مِنْ

الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا؛ گروهی

به آن چه که با خدا عهد بسته بودند، صادقانه وفا نمودند، گروهی در این مسیر به شهادت رسیدند و گروهی به انتظار شهادت اند و از سر پیمان نمی گذرند و مسیر را عوض نخواهند نمود.»

(احزاب ۲۳/۳۳) کسی که برای خداوند و کسب رضوان الهی گام برداشت، خداوند نیز او را رها نخواهد نمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ

يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خداوند را یاری بنمایید، خداوند شما را یاری نموده و ثابت قدم بدارد.» (محمد (صلی الله

علیه وآله) (۷/۴۷) «وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا؛ چه کسی از خداوند راستگوتر باشد؟!» (نساء/۸۷ و ۱۲۲) پس حتما منتظر یاری خدا و تثبیت اقدام خود و توان

استواری در مسیر باشند.

حکیمان بجا سفارش نموده‌اند که هزار دوست کم و یک دشمن بسیار باشد. روایات متعددی نیز بر لزوم انتخاب دوست و برادر دینی تأکید می‌نمایند. امام صادق (علیه السلام) فرمایند: «بر شمار برادران خود بیفزایید، زیرا هر مؤمنی را دعائی است مستجاب و هر مؤمنی در روز قیامت شفاعتی است.» (صدوق، ۱۴۰۲ق.، ص ۴۷) نیز حضرت فرمایند: «الْمَرْءُ كَثِيرٌ بِأَخِيهِ؛ انسان به وسیله برادرش افزون است.» (مجلسی، ۱۳۶۱، ج ۷۵، ص ۲۵۱. نیز: ج ۴۴، ص ۲۸۲ و ج ۷۱، ص ۱۷۶؛ صدوق، ۱۴۰۲ق.، ص ۳۲) نیز: فرمایند: «بسیار با مؤمنان پیمان برادری ببندید، زیرا برای آنان در نزد خدا در روز قیامت دستی است که به وسیله آن شفاعت می‌کنند.» (صدوق، ۱۴۰۲ق.، ص ۴۷)

هر حکومت و نظام و دولتی، پایدار به بنیان‌های مردمی بوده و مشروعیت و دوام خود را مرهون و

مدیون حمایت توده مردم از خویش است. اگر به هر بهانه‌ای این حمایت کمرنگ شود، سوژه به- دست دشمنان قسم خورده و زیرک و مترصد ضربه زدن می‌افتد تا بیایند و از آب گلی ماهی بگیرند. امروزه دشمنان داخلی و خارجی دیانت ملت و ضدانقلاب اسلامی کمر همت بسته‌اند تا با ترفندهای مختلف، عرصه گذران زندگی را بر مردم تنگ و تنگ‌تر کرده، ناراضی‌تراشی کنند و جوانان را رو در روی حکومت و نظام و رهبری قرار بدهند. این خود توده مردم و جوانان هستند که باید هوشیارانه با توطئه‌ها، برخورد نمود و با استقامت خویش، نقشه آنان را نقش بر آب نمایند. بصیرت- بخشی به مردم و خنثی نمودن این ترفندهای موزیانه بر عهده خواص انقلابی است.

برداشتن فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها

نگاه نقادانه منصفانه راهگشای اصلاح و پیشرفت

است و نقدها مقدمه اصلاح و تولید و ابتکار
بهترین‌ها باید قرار داده بشوند. باید توده‌ها و جوانان
را آگاه کرده که وضع مطلوب خیلی فراتر از این
وضع موجود است. نیز بشارت بحق و بجا داد که
آن وضع دست‌یافتنی، بلکه در مسیر تحقق است؛
تنها منتظر تحرک، یاری و زمینه‌سازی بیش‌تر و
دامنه‌دار است. بدین ترتیب شناخت معایب وضع
موجود و امید به تحقق وضع مطلوب، نطفه‌های
تحول و حرکت به سوی وضع مطلوب را مثمر می-
گردد. ضعف و قوت تحرکات اصلاحی، کاملاً
وابسته به میزان شناخت معایب و کاستی‌های
وضع موجود و شناخت وضع مطلوب و میزان امید
به تحقق و دست‌یابی به آن است.

پس قدم اول انقلاب و تحول، شکوائیه است:
«خداوندا! همانا ما از نبود پیامبرت و غیبت ولّیت
و زیادی دشمنان مان و کمی نفرات مان و شدت

فتنه‌ها بر ما و غلبهٔ زمانه بر علیه ما به سوی تو شکایت آورده‌ایم.» (قمی، مفاتیح الجنان، فراز آخر دعای افتتاح) با مشاهده مجاهدت‌هایی که تاکنون صورت گرفته، باید جوانان به ادامه مسیر تا تحقق وضع مطلوب نهایی تشویق و ترغیب گردند تا بر ادامه این روند صبر و اهتمام و استقامت بورزند. مسئولیت گرم نگهداشتن تنور انقلاب با شور و شیدایی حسینی (علیه السلام) به عهده همه سربازان انقلاب، به خصوص خود جوانان است.

تقابل فرهنگ‌ها و لوازم آن

در مورد تعارضات فرهنگیِ دو فرهنگ متمایز و متقابل، مثل فرهنگ اسلامی و غربی، فروض مختلفی ممکن است رخ بنمایند، از جمله: «تهاجم فرهنگی»: حمله فرهنگی دو قوم یا دو گروه یا دو ملت بر یکدیگر به منظور تغییر و تبدیل عناصر و پدیده‌های فرهنگی قوم مقابل یا «سلطه

فرهنگی»: مبادله یک جانبه عناصر و پدیده‌های فرهنگی. یعنی: گروه سلطه‌گر سعی می‌کند با تکیه بر قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی خود، باورها، ارزش‌ها و رفتارهای خود را بر قوم دیگر حاکم نماید و هویت فرهنگی گروه مقابل را تضعیف، تحریف و نابود سازد تا بتواند راحت‌تر و سریع‌تر و سهل‌تر بر ذخائر معدنی و انسانی آن سیطره بیابد.

نظام سلطه بر سلیقه‌ها، اخلاقیات، سنن، اصول سیاسی و همه روابط اجتماعی سایه افکنده و به‌ویژه در تصورات فکری و اخلاقی نفوذ کرده و آنها را از هویت ملی - دینی دور می‌کند و این امر منجر به حیرت و خودباختگی و سردرگمی و بالتبع تسلیم در برابر خواسته‌های سلطه‌گر، بدون مقاومت می‌شود! در تقابل با آن دو، موضع سوم، یعنی: «مقاومت فرهنگی»: پاسداری آگاهانه و منطقی از فرهنگ خودی و برخورد هوشیارانه و هوشمندانه با

فرهنگ بیگانه رخ می‌نماید.

ایران اسلامی با الگوگیری از سیرهٔ قهرمانانه امام حسین (علیه السلام) به دنیا نشان داد که بتوان در موضع سوم پایداری نمود: «جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به- شدت پای‌بند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل مؤمن و دانا و پرانگیزه، با قدرت بیش‌تر طی خواهد شد.» (حسینی خامنه‌ای، بیانیه ...)

هر فرهنگ مجموعه‌ای از اصول معقول ثابت و پدیده‌های متغیر می‌باشد: اصول ثابت: به مبانی ارزشی و فطرت انسان‌ها برمی‌گردد و مبتنی بر دریافت‌های عالی انسان می‌باشد که تجسم عینی آن همه جانبه است، یعنی هم بر سایر بینش‌ها اثر می‌نهد و هم بر سایر عملکردها و اخلاقیات؛ پدیده‌های متغیر فرهنگی: مجموعه‌ای از آداب و رسوم و نمودهای فرهنگی است که متناسب با شرائط زمان و مکان تغییر بیابند. مقاومت فرهنگی و به عبارتی مقابله با تهاجم فرهنگی نیازمند همیاری و همگامی همه علماء و سیاستمداران و مردم در همه عرصه‌های دینی، خانوادگی و اجتماعی است و إلا این دفاع عقیم شده و سبب عقب‌نشینی از سنگرها و میدان دادن تدریجی به دشمن می‌گردد. اما مسئولیت اصلی مقاومت

فرهنگی متوجه جوانان انقلابی است.

مقابله با تهاجم فرهنگی غرب، دارای ابعاد و جوانب و عرصه‌های بسیار مختلفی است که بتوان آنها را در دو دسته کلی جای داد: الف) حیثیت **ظرفیت‌های درونی** به خصوص در بین جوانان، مثل: ایمان، خانواده متدین، نهادهای اجتماعی - دینی، مجالس مذهبی، کانون‌های قرآن و عترت، بسیج و مانند اینها؛ ب) عرصه و حیثیت **ظرفیت‌های برونی**، مثل: حقیقت‌طلبی مردم جهان، بحران تکنولوژی و روی‌آوری به معنویت، رسوایی داعیان حمایت از حقوق بشر و مجریان عدالت و امنیت با توسعه تروریسم و صهیونیسم بین‌الملل، فسادهای روانی - اخلاقی داعیه‌داران معنویت و آرامش بخشی در مقابل مشکلات، که جهانیان را از غرب و آموزه‌ها و عملکردشان منزجر و تشنه معنویت و استقبال از تشیع و انتظار حکومت عدل جهانی

نموده است.

با امید به حکومت عدل جهانی، ترس و یأس برای یک مسلمان معنا نداشته و یقین به هدف و تحقق حتمی و بلکه قریب الوقوع آن، نیروبخش و محرک وی می باشد. برای تحقق نهائی این وعده الهی تلاش مؤمنان نیز مهم باشد و راه توفیق در این راستا درس و عبرت از گذشته است. به همین جهت است که تقریباً یک سوم قرآن کریم را شرح تاریخ و قصص انبیاء و مخالفان ایشان دربرگرفته است تا از لابلای این حوادث، مؤمنان راه صحیح و درست را برای طراحی و برنامه ریزی صحیح برای خود و جامعه نوین اسلامی بیابند.

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می توانیم»

«به رغم همه این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزبه روز گام های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای

بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های
شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت
پیشرفت‌های چهل‌ساله ملت ایران آن‌گاه به‌درستی
دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در
انقلاب‌های بزرگی هم‌چون انقلاب فرانسه و انقلاب
اکبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود.
مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و
اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه
ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه
عرصه‌ها رسانید.» (حسینی خامنه‌ای، بیانیه ...،
۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

دشمن در پی آن است که مرتب نداشته‌ها را به رخ
بکشد و با چوب‌لای چرخ نهادن و کارشکنی یا با
واردات بی‌رویه مخرب، به نیروهای جوان القاء عجز
و ناتوانی در حفظ کشور و موفقیت در عرصه
اقتصاد یا تولید علم و مانند آن بنماید. متأسفانه

سیاست‌های غلط جاهلانه یا عامدانه متولیان داخلی نیز به این القاء ضعف و ناتوانی و ضرورت سازش با غرب و چنگ زدن به دامن صنعت و تکنولوژی غرب بیش‌تر دامن زده است. بر جوانان انقلابی است که با پشتکار خود، دست‌های موزی را شناسایی و از سر توده مردم و روند اقتصاد کشور کوتاه بنمایند. این بدون همیاری و همفکری همه با هم، نیز اعتماد به توانمندی‌های داخلی امکان تحقق ندارد.

«جوانان عزیز! ... محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، ... سرآمد در جمعیت جوان کارآمد و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است.

بدانید که اگر بی توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود - بی شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیش تر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی داشت.» (حسینی خامنه‌ای، بیانیه ...، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

جامعیت و احقیت تشیع

بینش و نگرش توحیدی و آخرت گرایی، می تواند سیر زندگی و برنامه ریزی انسانی را تحت الشعاع قرار دهد و انسان ها را به دو دسته کلی: الهی و مادی تقسیم کند، به گونه ای که وجه مشترکی بین این دو گروه، مگر در ظواهر جسمانی و در امیال و غرائز حیوانی باقی نمی ماند. چون مبانی از اساس از یکدیگر جدا می شوند و نظام کنونی به سوی تحول

به دهکده جهانی و نظام واحده پیش می رود و نیازمند صلح و امنیت جهانی است؛ راهی جز انتخاب قانون احسن و اصلح و گفت و گو و گزینش مرجع قانونگزاری صلاحیت دار پیش روی ندارد. این در واقع، جز هضم و مندک شدن ضعیف و سست در اقوی و اصلح چیزی نمی باشد.

این جا است که نزاع حق و تمامی اباطیل بالا می گیرد و اول سخن است که کدامین طرف اصلح و اقوی بوده و باید بر مسند تصمیم گیری برای تمامی بشریت تکیه زده و زندگی انسان را با تمامی ابعادش تحت پوشش قراردادده و سازمان ده و جهت ده جامعه بشریت به سمت آمال خویش گردد و مرجع رسیدگی به تخلفات قرار داده شود. پیرو بینش غیرالهی، به غیر خدا روی می کند، چون وجودی برای حق متعال قایل نیست، لکن پیرو بینش الهی اسلامی به منبع شارع مقدس چشم

می دوزد و او را گره گشای معضلات زندگی و حسابگر و حاکم بر خود می داند و لاغیر. پیروان دین توحیدی در مقابل تمامیت الحاد و شرک قد علم می کند و نمی تواند پذیرای تحمیلات و زورگویی های ملحدین یا مشرکین و غریزدگان گردد. (قائمی، ۱۳۸۷، ص ۳۶)

قوانین شرع مقدس به سان حلقات زنجیر به یکدیگر متصل اند و انفکاک میان آنها در مقام عمل و اجرا پذیرفتنی نمی باشد و طبق نظر مقنن آن تفکیک مسایل و احکام شرع و پذیرفتن و عمل کردن به برخی و طرد سایر موارد، در واقع به معنی اضمحلال زنجیر و بی ثمر کردن کل آن است. پس مقبول درگاه احدیت نخواهد بود، چون در واقع این شخص پیرو هوی و هوس خویش گشته و رضای مخلوقات را بر رضایت حق تعالی ترجیح داده است و این در فرهنگ قرآنی چیزی جز شرک

نیست: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ مسلما کسانی که دینشان را بخش بخش کردند، و گروه گروه شدند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست، کار آنان فقط با خدا است، سپس به اعمالی که همواره انجام می دادند، آگاهشان می-کند.» (انعام ۱۵۹/۶ و نساء ۱۵۰/۴-۱۵۲) چنین انسانی تنها نام متدین را یدک می کشد و در واقع خودپرست و مقام پرست یا مردم پرست است نه خدا پرست: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»؛ پس آیا کسی که معبودش را هوای نفسش قرار داده دیدی؟ و خدا او را از روی علم و آگاهی خودش گمراهش کرد، و بر گوش و دلش مُهر نهاد، و بر چشم [دلش] پرده ای قرار داده است، پس چه کسی است که بعد

از خدا او را هدایت کند؟ آیا متذکر [حقایق] نمی-
شوید؟» (جاثیه ۲۳/۴۵ و فرقان ۴۴/۲۵-۴۳)

نیز اگر در پی جلب مجامع بین المللی و ملحدین
خونخوار باشد، در واقع آنها را پرستیده و کرامت
خود و منزلت خدایش را فراموش کرده و مقهور الله
واقع شده است. بیچاره آن کس که در این راه - با
اسم دیانت - در پی تحریف دین و تفسیر آن طبق
دل بخواه ملحدین برمی آید و نمی داند که با این کار
نه به عزت دنیا می رسد و نه به نعمت آخرت، زیرا
اینها به هیچ کس وفا نکرده اند که این بدبخت ها
دومی آن باشند! «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ
يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ
تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ
سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ
مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ
فَاخْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا
خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ ای پیامبر!

کسانی که در کفر می شتابند تو را غمگین ن سازند،
چه آنان که به زبان شان گفتند: ایمان آوردیم و
دلهاشان ایمان نیاورده، و چه آنان که یهودی اند که
به شدت شنونده دروغ اند و به شدت گوش به فرمان
گروهی دیگرند که نزد تو نیامده اند. کلمات [خدا] را
پس از استواری در جایگاه هایش تحریف می کنند
و می گویند: اگر احکام به شما ابلاغ کردند،
بپذیرید، و اگر آن را ابلاغ نکردند، از آن بپرهیزید. و
کسانی که خدا عذاب شان را بخواهد، تو هرگز
نمی توانی چیزی از عذاب خدا را از آنان برطرف
کنی. اینان اند کسانی که خدا نخواسته دل هایشان را
پاک کند؛ برای آنان در دنیا خواری و رسوایی، و در
آخرت عذابی بزرگ است.» (مائده ۴۴/۵-۴۱ و
بقره ۷۹/۲-۷۵؛ اعراف ۱۸۶/۷-۱۷۵) پس خویش را

مغضوب پروردگار کرده، از رحمت او محروم و معذب شده، در نتایج عملکرد خویش و وزر و وبال گمراهی دیگران - که با گفته‌ها و نوشته‌های او منحرف شده‌اند، گرفتار گردند!

این خسرانی است جبران ناشدنی و زحمتی است که جز نقت و بدبختی و شقاوت حاصلی ندارد.

«فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ

الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛ پس شما هم آن چه را می‌خواهید،

به جای او بپرستید. بگو: بی‌تردید زیانکاران

[واقعی] کسانی هستند که روز قیامت سرمایه

وجودشان و کسان‌شان را به تباهی داده باشند؛

آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار

است.» (زمر/۱۶-۱۵ و حج/۲۲-۱۳-۱۲)

وقتی اصل مذهب تشیع، جامعیت و احقیت را

دارا است، بالتبع الگوهای برین آن، یعنی انبیاء و

اوصیاء، به خصوص نبی اکرم و ائمه
معصومین (صلوات الله علیهم)، از هر حیث جامع
کمالات و صفات علیا بوده و عملکرد ایشان و
رهروان صدیق ایشان مثل شهداء، می تواند سرمشق
و الگویی امتحان پس داده و کارآمد در هر دوره و
زمانی برای همگان، به خصوص جوانان غیور و
متعهد باشند. با نگرشی به سیر تحولات دوران
زندگی هریک از ایشان، در هر موقعیت و وضع و
مناسبتی، از میان سیره ایشان، الگو و سیره‌ای
مناسب همان معضل یافت می شود. مقام عظمای
ولایت (دام ظلّه العالی) در دو کتاب انسان ۲۵۰ ساله و
هم‌زمان حسین (علیه السلام) در حدود ۸۰۰ صفحه به
معرفی سیره معصومین (علیهم السلام) در ازمنه
مختلف و ابعاد الگوگیری از مکتب و روش و منش
ایشان می پردازند. جوانان حق جو و کمال طلب را به
این دو منبع ارجاع می دهیم.

امروزه فرهنگ‌ها و ارزش‌های ملی و دینی، به واسطه تخریب روشنفکران و هجمه‌های فرهنگی غرب و نفوذ نظام تکنولوژی و نظام آموزشی سکولار، آسیب اساسی دیده‌اند، ولی این امر موجب نشده تا همه آحاد ملت فرهنگ ملی - دینی را به کلی رها کنند. بلکه درحقیقت، پیامدهای فرهنگی جهانی‌سازی از نظر فرهنگی، نیمی از کار تبلیغی مسلمانان را آسان کرده، زیرا اسلام نیز برای تبلیغ نیاز دارد تا اقوام و انسان‌ها را از برداشت‌های گذشته خارج سازد تا در پی هویت جای‌گزین بگردد. مبلغان دینی با همیاری نسل جوان تازه‌نفس می‌توانند هویت دینی را در کالبدی زیبا و پاسخگو به جهانیان معرفی کنند و راه را برای آینده‌ای روشن هموار سازند.

راهکار استقامت

در جریان سیر امت‌ها و زندگی انسان‌ها،

انحرافات، فشارها، تحمیلات و ناملایماتی وجود دارند؛ لکن واکنش و موضع همه افراد در برابر آن‌ها یکسان نیست. گروهی در برابر آن‌ها تسلیم شده، با هر باد و طوفانی چون خس و خاشاکی سبک و بی‌وزن به جنبش در آمده، به جهتی که طوفان در حرکت است، سوق داده می‌شوند. اینان در پیشگاه داوری اسلامی محکوم و به فرموده امام علی (علیه السلام): «أتباع كل ناعق؛ پیرو هر آواز ناموزونی هستند.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) گروه دیگر اندك مقاومتی دارند؛ ولی مقاومت‌شان ریشه‌دار نیست. ترس‌ها، ضعف‌ها و احساس حقارت‌ها نمی‌گذارد آن‌چنان که باید، به سوی مقصد پیش بروند؛ پس دیر یا زود مقاومت‌شان درهم می‌شکند. اما دسته سوم در برابر دشواری‌ها و تحمیل‌ها، مقاومت ورزیده و به دفاع برمی‌خیزند، رنج و زحمت ناشی از آن را به جان می‌خرند و در برابر

گرسنگی، تشنگی، زندان و تبعید می‌ایستند و باکی از غیر خدا ندارند. هدف نهایی تربیت اسلامی پروراندن دسته سوم است. حضرت علی (علیه السلام) در وصف‌شان فرمایند: «المؤمن أصلب من الصلد؛ مؤمن از سنگ سخت‌تر است.» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۲۴) حضرت درباره مقاومت و پایداری در برابر دشمن، راهبردی جاودانی به فرزندش محمد حنیفه یاد می‌دهند که برای نسل جدید حوزه‌ها نیز کارآمد است: «ممکن است کوه‌ها از هم فروپاشند، ولی تو سست و بی‌پایه مباش، دندان‌هایت را بر هم بفشار، سرت را به خدا بسپار. گامت را در زمین چون میخ استوار بدار. با چشم خود دوردست‌ترین نقطه دشمن را بنگر. دیدگانت را از ناملائمات بر هم بگذار و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱)

نه تنها جوان مؤمن و حوزویان و مسئولین باید مقاوم در همه ابعاد باشند، بلکه دیگران را نیز باید مقاوم پرورانند: مراحل مقاوم سازی: (۱) در همه اعضا بدن مقاومتی باید پدید آید تا به سوی عصیان و گناه میل نکند. در زبان باید مقاومتی باشد تا به هرزه گویی آلوده نشود، مقاومت در چشم، شکم و سایر اعضا هر کدام می تواند سازنده باشد. (۲) افکار و اذهان با باوری که در عمق جان ریشه دوانیده و نوآفرین باشد، باید مقاوم شود تا در مقابل وسوسه ها، خیالات واهی و تصورات ناصواب بایستد. (۳) فهم و بصیرت ها باید مقاوم شود تا زرق و برق دنیوی افراد را نفریبد. مادام که برای آدمی سیری باطنی و بی رغبتی درونی پدید نیاید، مقاومت ممکن نباشد. (۴) باید به امور و جریانات انحرافی حساس بود؛ عوامل مخل رشد ایمان را شناخت و در مقابل آن پایدار بود. باید جریان-

شناس و موج‌شناس باشند و از خطوط انحرافی که وجود دارد، آگاه گردند. ۵) چه بسیارند عواملی که مردم را عافیت طلب، آرام، خاموش و مصلحت‌اندیش بار آورده و از درون تهی می‌سازند. لکن دین‌داری متعهدانه، بینش مؤمنانه و تعهد مسئولانه و جریان‌شناسی موشکافانه، آدمی را به موضع‌داری می‌کشاند. ۶) ریشه‌کنی عوامل فساد و تهاجم با مبارزه با علل بزهکاری و خشونت ضروری است. ۷) درك هویت خود: غرض از هویت، هویت فطری، فرهنگ شیعی و دريك کلام هویت اسلامی است. ۸) عزت نفس: خود را گران‌قدر و باارزش دانسته و خود را ارزان معامله نکنند. حضرت علی (علیه السلام) فرمایند: «هوشیار باشید که بهای وجود شما، بهشت باشد، مبادا آن را به غیرآن بفروشید» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴) ۹) وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری همگانی به-

صورت درون پلیسی. ۱۰) اعتماد به نفس: باید به

خود و نسل جوان اعتماد و به خداوند تکیه نمود و

با این تکیه گاه و پناهگاه متین و محکم در برابر

ناملايمات ايستادگي كرد كه قرآن كريم فرمايد: «اللَّهُ

وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ

إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛

خدا سرپرست و يار كساني است كه ايمان

آورده اند؛ آنان را از تاريكي ها به سوي نور بيرون

مي برد. و كساني كه كافر شدند، سرپرستان آنان

طاغوت است كه آنان را از نور به سوي تاريكي ها

بيرون مي برد؛ آنان اهل آتش اند و قطعاً در آن جا

جاودانه اند.» (بقره ۲/۲۵۷) «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ

حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛

هر كس به خدا توكل كند، خدا او را كافي است [و]

خدا فرمان و خواسته اش را [به هر كس كه بخواهد]

می‌رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.» (طلاق ۳/۶۵) (۱۱) صبر و استقامت: همه در راه پیش‌برد مقاصد خود نیازمند صبر هستند. صبر نوعی پایداری است، نه تساهل یا سازشکاری با دشمن. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خدا است؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [وگویند:] مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد.» (فصلت ۳۰/۴۱)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دوران جوانی آمیخته با شور و نشاط و هیجان از یک سو و دغدغه و نگرانی از خویش و آینده از سوی دیگر است. بر متولیان تربیتی - فرهنگی

است تا با تقویت امید و اعتماد به نفس و ارائه الگوهای موفق و راستین، هم هیجانات وی را به سوی اهداف انسانی و سعادت بخش رهنمون بشوند و هم با استفاده از شور و نشاطش او را در راه رسیدن به آمال آرمانی واقعی یاری نمایند. در این زمینه هم الگوهای غنی از تاریخ اسلام تا کنون، حضور شاخص دارند و هم سیره معصومین (علیهم السلام) و دستورات ایشان بسی کارآمد است. در عین حال بهره‌گیری از دانش‌های روز مثل فلسفه اخلاق و فلسفه تربیت و برخی داده‌های روان‌شناسی که با آموزه‌های قرآن و سنت و نیز با فرهنگ ملی ایرانی در تعارض نباشد، نیز ضرورتی انکارناپذیر است.

نسل جوان و نوجوان شیعه ارادت خاصی به امام حسین (علیه السلام) و یاران و خاندانش (علیهم السلام)

دارند و شرکت در مراسمات محرم و اربعین برای اینها خاطره‌برانگیز و برخی هیئات برای اینها

جذاب است. بلکه برخی هیئات مختص این گروه
زد (Z) می باشد. این نسل مختصات خاص خود را
دارند و افراد در ارتباط با اینها نیز باید زبان خاص
نسل کامپیوتر و فضای مجازی را بدانند تا بتوانند به
خوبی با ایشان رابطه برقرار نموده و با استفاده از
ارادت ایشان به امام حسین (علیه السلام) اینها را با
الگوهای برین بشریت آشنا و از الگوبرداری های
ناجیا از ماهواره و فضای مجازی دور نماید. این
تنها راه نجات امت اسلامی است، زیرا در آینده ای
نه چندان دور همه زمام امور به دست این نسل
خواهد افتاد و اینها سکاندار کشور و انقلاب
خواهند شد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۸)، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.

آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ت: مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات.

حسینی خامنه‌ای، سید علی، (۹۷/۱۱/۲۲)، بیانیه گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران.

صدوق، ابوجعفر محمد بن ابی الحسن علی بن بابویه القمی، (۱۴۰۶ق.)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الرضی، چ ۱.

-----، (۱۳۶۱)، معانی الأخبار، ت: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

قائمی، علی، (۱۳۸۷)، تربیت و مقاوم سازی نسل، انتشارات تربیت، چ ۱، تهران.

قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، مکرر.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، الأصول من الکافی، ت: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق.)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، بیروت، مؤسسه الوفاء، چ ۲.

موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۶۲)، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چ ۱.